

تهدید جریان های تکفیری در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد

نویسنده: محمدمهدی اسماعیلی^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال سیزدهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۵

چکیده

یکی از مهم ترین عوامل فتنه گری در جهان اسلام ظهور اندیشه سلفی گری تکفیری است. این جریان به عنوان یک نظام اعتقادی مذهبی مطلق گرا با کار ویژه و عقبه اعتقادی-هویتي خاصی که دارد، با دوقطبی کردن جهان اسلام می تواند ضمن مخدوش کردن وحدت اسلامی با ایجاد منازعه مذهبی، ثبات و تعادل جوامع اسلامی را برهم زده و از این طریق امنیت کشورهای اسلامی را با چالش مواجه کند، گرچه بحران به وجود آمده از گسترش داعش با سرمنشأ آمریکایی و همکاری دولتهای مرتجع منطقه و باهدف تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و مقابله با انقلاب اسلامی است. هدف این پژوهش، شناخت جریان های سلفی تکفیری و تهدیدهای آنها در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تدوین و ارائه راهبردهای دفاعی برای مقابله است. در این پژوهش ابتدا ادبیات نظری تحقیق و سپس با استفاده از روش پیمایش، مطالعات میدانی و تعیین نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها به شیوه (SWOT) راهبردهای مقابله با جریان های سلفی تکفیری توسط جمهوری اسلامی ایران ارائه شده و سپس راهبردهای ارائه شده با استفاده از روش ماتریس کمی برنامه ریزی راهبردی (QSPM) اولویت بندی شده است. بر اساس نتایج به دست آمده وضعیت جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جریان های تکفیری در حالت تهاجمی قرار دارد و باید راهبردهای مناسب در جهت تقویت نقاط قوت برای استفاده حداکثری از فرصت ها و کم کردن نقاط ضعف داخلی و مقابله با تهدیدات ناشی از فعالیت جریان های سلفی تکفیری تدوین و اجرا گردد. در نتیجه ۳۱ راهبرد تدوین و با ترکیب آنها تعداد ۱۹ راهبرد اولویت بندی و در نهایت ۱۱ راهبرد که نمره جذابیت بالاتر از متوسط داشتند، تعیین شدند.

واژگان کلیدی: تهدیدها، جریان های تکفیری، محیط امنیتی، راهبرد

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران سرشار از تهدیدات و فرصتهایی است که منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران که تأثیرات شگرفی را در رویکردهای ملی و جهانی و ساختار نظام بین‌الملل بر جای گذاشت، متناسب با رخدادهای ویژه و عظیمی که با آن روبه‌رو بوده است، حوزه‌ی تعاملی وسیعی را با علوم دفاعی و راهبردی به وجود آورد که شناخت و سنجش تهدیدات نوین و فرصت‌های جدید از یک سو و پیدایش زاویه‌های متفاوت آن، نیازمند تدوین راهبردهای مفید و مؤثری است. به‌گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی، به کرات به آن اشاره نموده‌اند. ایشان در این خصوص فرموده‌اند: «استکبار می‌داند که دل‌های مردم در بسیاری از کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا شرق آسیا، با جمهوری اسلامی ایران است و این کشورها، عمق سیاسی و استراتژیک ایران اسلامی محسوب می‌شوند» (بیانات ۱۳۹۳/۰۹/۰۴)

فرقه‌سازی در جهان اسلام، از نقشه‌های قطعی استعمارگران بوده و هست. روشن است که استعمارگران غربی با توجه به تعالیم اسلام که هرگونه سلطه‌پذیری را از بیگانگان بر مسلمانان نفی می‌کند و از راه‌های دیگر هم‌سودی نبرده‌اند، تصمیم به ایجاد اختلاف و دودستگی بر پایه مذهب و مسائل دینی و فرقه‌سازی گرفتند تا به این وسیله بتوانند به اهداف خود نائل شوند. در این راستا و در سال‌های اخیر، کشورهای استعماری بالأخص آمریکا و انگلستان که بعداز فروپاشی امپراتوری عثمانی هجوم و نفوذ گسترده و همه‌جانبه به جهان اسلام داشته‌اند، تلاش دارند نقشه‌سیاسی جدیدی در منطقه ترسیم کنند. بر طبق اقدامات آن‌ها، این نقشه بر اساس وفاداری فرقه‌ای ترسیم خواهد شد. در مجموع، باید گفت جریان‌های سلفی تکفیری توان تهدید آفرینی علیه جمهوری اسلامی ایران را دارند و تمایل برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و سرویس‌های اطلاعاتی آنان به حمایت از جریانات و گروه‌های ضد شیعی، فضای مطلوبی را جهت ایجاد و تعمیق گسست مذهبی در میان مسلمانان جهان و گستراندن منازعات شیعه و سنی در کل جهان اسلام فراهم می‌نماید و عدم توجه به موقع و دقیق در این خصوص می‌تواند تهدیدات امنیتی جبران‌ناپذیری را برای کشور به دنبال داشته باشد. بنابراین شناخت جریان‌های سلفی تکفیری و گروه‌های منتسب و نسبت‌سنجی آن‌ها با منافع و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد دفاعی برای مقابله در اولویت است و در طراحی و تدوین این راهبردها شناخت عوامل محیط داخلی (نقاط قوت و ضعف) و محیط خارجی (تهدیدها و فرصت‌ها) جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. با توجه به توضیحات فوق و با عنایت به تهدیدها جریان‌های تکفیری در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت اسلامی هدف کلی این تحقیق، تدوین و ارائه‌ی راهبردهای دفاعی مناسب برای مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری است. بنابراین مسأله

اساسی این پژوهش تهدید جریان های تکفیری در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهای مقابله است. (چه می تواند باشد؟)

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به دو بخش نظری و کاربردی، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

تعدادی از نخبگان، اساتید، متخصصان و کارشناسان خبره (علمی و دانشگاهی و مدیران عالی) در زمینه مسائل سیاسی، امنیتی، فرهنگی و نظامی منطقه مستقر در تهران می باشند.

با توجه به بهره گیری از روش SWOT که در آن از پرسش گر متخصص استفاده می شود، جامعه آماری در این پژوهش شامل کارشناسان خبره امنیت ملی و امور دفاعی، فرماندهان ارشد نیروهای مسلح مرتبط با موضوع با جایگاه راهبردی، کارشناسان امنیتی و استادان (در رشته های مرتبط) دانشگاه می باشند، که در زمینه ی راهبرد دفاعی و تهدیدات جریان سلفی تکفیری، صاحب نظر و متخصص هستند و در شناخت و بررسی موضوع پژوهش می توانند محقق را یاری رسانند. چون جامعه ی آماری متخصص و صاحب نظر خبره مرتبط با موضوع مورد مطالعه محدود است (شمارش پذیر) انتخاب حجم نمونه به صورت تمام شمار صورت گرفت.

حجم جامعه ی آماری ۳۵ نفر و حجم نمونه با توجه به جدول مورگان حداقل ۳۲ نفر است. که تعداد ۳۰ پاسخنامه های عودت شده سالم گزینش گردید.

ابزار گرد آوری اطلاعات

در این پژوهش از مجموعه ای از روشها (روش جمع آوری کتابخانه ای و اسنادی) بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه محقق با کارشناسان و آگاهان موضوع و روش پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده نمودیم. البته محور ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه می باشد.

چارچوب مفهومی - نظری

جریان سلفی تکفیری^۱

در این بخش ابتدا به مهم ترین مفاهیم پرداخته می شود سپس جریان سلفی تکفیری مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد:

۱. داعش مصداق فعلی جریان تکفیری در منطقه بوده ولیکن بنا به دلایلی به نظر می رسد که ما در آینده شاهد بروز جریان های تکفیری متعددی خواهیم بود که مجال بحث در ارتباط با آن، در این مرقومه میسر نیست. بنابراین بجای پرداختن محدود به گروه داعش، پدیده نوظهور جریان تکفیری نوین را مورد بررسی قرار داده ایم.

آشنایی با اهل سنت

دو دیدگاه مختلف از اسلام با تفاوت‌های اساسی در اصول و فروع، بلافاصله پس از رحلت رسول خدا (صلی‌الله علیه واله) در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی ظاهر گردید. این دو نگرش به دو مذهب بزرگ به نام «شیعه» و «سنّی» معروف شد. (احسانی، ۱۳۸۰: ۷۵).

الف - مفهوم «سنّت»

اصطلاح «اهل سنّت» از دو واژه «اهل» و «سنّت» ترکیب یافته است. «اهل» در لغت به معنای گروهی است که در امری از امور باهم شریک باشند مانند: «اهل بیت» که در پیوند خانوادگی و «اهل اسلام» که در عقیده قلبی، شریک یکدیگرند.

«اهل سنّت» از چهار امام خود، یعنی ابوحنیفه، مالک بن انس، محمد بن ادریس شافعی و احمد بن حنبل پیروی می‌کنند. آنان در این چارچوب خود را پیرو کتاب خدا، سنّت رسول‌الله و همچنین صحابه و تابعین صحابه می‌دانند... (علی‌رغم اختلافات فرق اهل سنّت در اصول و عقاید با یکدیگر، به‌طور کلی همه آن‌ها بر مبنای عقاید و شرایع اساسی خود که آن‌ها را از چهار منبع ثابت گرفته‌اند، اتفاق دارند. این چهار منبع عبارت‌اند از: ۱- قرآن ۲- حدیث یا سنّت ۳- اجماع الامه ۴- قیاس) (خسروشاهی، ۱۳۴۱: ۱۶).

ب - طیف‌بندی جامعه اهل سنّت

۱. سنّتی: این گروه معتقد به پیروی از طریقه و روش پیامبر اسلام و صحابه می‌باشند.
۲. نوگرا: این گروه اعتقاد دارند با تطبیق نظرات جماعت اهل سنّت و آموزه‌های آن با مبنای دنیای مدرن همچون انتخابات و دموکراسی و... یک همزیستی را داشته باشند. نخبگان شاخص این نظریه افرادی همانند سید قطب، حسن البنا، سلمان عوده، ابوالعلا مودودی می‌باشند.

۳. غیردینی: این جریان‌دارای طیف گسترده‌ای از عناصر متفاوتی از بی‌تفاوتی تا دین‌ستیز را شامل می‌شود؛ و اعتقادی به پیوند مباحث دینی با مفاهیم دنیای مدرن نداشته و اصول حوزه دین و سیاست را نیز از هم جدا تلقی می‌کنند.

۴. متصوفه: این قشر از اهل سنّت به لحاظ مشرب اخلاقی و عملی پیرو مشایخ شناخته‌شده متصوفه اهل سنّت بوده و پیرو عملی طریقت عرفانی آنان می‌باشند همچون نقشبندیّه، قادریّه و چشتیه.

۵. سلفی: در معنای لغوی به معنای بازگشت به گذشته است. در معنا و اصطلاح به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که اعتقاد به بازگشت به شیوه سلف صالح دارند و جریان‌های سلفی تکفیری را تشکیل می‌دهند. گروه‌های مختلف سلفی وجود دارند. در طیف‌بندی مورد اشاره غیر از گروه‌هایی از سلفی‌ها که تهدید برای شیعه و جمهوری اسلامی ایران

هستند، مابقی ضمن داشتن مشترکات بسیار با تشیع فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران هستند. (مصاحبه با دکتر نوحی شهریور ۱۳۹۵)

ج) سلفی‌ها در میان اهل سنت: سلفی‌گری از منظر پژوهش حاضر، نوعی «جریان سیاسی» از درون حوزه دین و مذهب در تاریخ متأخر اسلامی به شمار می‌رود که در عین بهره‌مندی از سلف‌گرایی، مبتنی بر مناسبات خاصی از قدرت سیاسی با رویکرد منحصربه‌فرد است که در معنای کلان، بر تمامی رهیافت‌ها و جریان‌های ایدئولوژیک «دولتی» و «غیردولتی» قابل اطلاق است و درصدد تجدید خلافت تاریخی و بر ساختن جوامع سنی مذهب بر پایه قرائت سلفی از اسلام است. در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی‌گری می‌توان آن را مقوله مشکک و دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیف وسیعی از سلفی‌گری «سنتی» و «معتدل» تا «سلفی‌گری افراطی» را در بر می‌گیرد (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۹۸)

اکثر اهل سنت، غیر سلفی هستند، حتی ضد سلفیت و مخالف سلفیت در اعتقادات، نصف یک میلیارد مسلمان، از نظر اخلاقی و مباحث اخلاقی رویکرد صوفیانه دارند، پانصد میلیون صوفی سنی داریم که این‌ها هم مخالف سلفیت و وهابیت‌اند، برخی از اهل سنت به شیعه نزدیک‌ترند: در اخلاق، صوفی‌ها، از نظر کلامی ماتریدی‌ها و از نظر فقهی حنفی‌ها به شیعه نزدیک‌تر هستند.

جریان‌های سلفی - تکفیری گرچه در بستر اندیشه اهل سنت، نضج و نمو یافته است، اما با عنایت به رویکرد آرمان‌خواهانه به خلافت راشده و تمرکز نظر و عمل خود بر خروج از وضع موجود و تحول آن به عصر سلف صالح، در زمینه اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، فاصله‌هایی از اهل سنت گرفته‌اند که می‌تواند الگوی حکومتی آن‌ها را متمایز نماید. الگوی حکومتی مورد نظر جریان سلفی - تکفیری، در ساختار و کارکرد، به شدت ریشه در گذشته و خلافت راشده دارد و حتی شیوه دستیابی به قدرت سیاسی نیز در جهاد و یا انتخاب اهل حل و عقد خلاصه شده و برخلاف الگوی حکومت در اندیشه اسلامی معاصر، در مبانی و چارچوب، از تمسک به تجارب بشری جدید به شدت استنکاف دارد و با رویکردی متحجرانه و بر اساس برداشت‌های متعصبانه ظاهرگرا و با تفسیر به رأی از آیات و روایات، مدلی غیر پاسخ‌گو و مستبد و بر پایه قوانین شریعتی که خودشان تفسیر و تعریف می‌کنند، ابتدا دارد؛ مردم در قبال این حکومت صرفاً تکلیف دارند و به شدت مؤلفه‌های مدرن به‌ویژه در حوزه نقش مردم در قدرت را، ردّ و تقبیح می‌کنند (نباتیان، ۱۳۹۳: ۳۹)

مفاهیم محوری سلفی‌گری

سلفی‌گری تکفیری به گرایش گروهی از سلفیان گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمرد. بر اساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی

که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبایر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می‌شود.

در بیان مفهوم سلفی گری باید به موارد زیر نیز توجه داشت:

اول. سلفی گری مفهومی عام، مطلق و منسجم نیست و میان جریان‌های مختلف آن، کاملاً تضاد وجود دارد.

دوم. هر چند جریان‌هایی مختلف به‌عنوان سلفی گری شناخته می‌شوند، اما همه‌ی آن‌ها از نظر اندیشه‌ای، در ردیف سلفی گری مصطلح قرار نمی‌گیرند. بسیاری از آن‌ها در سیر تاریخی خود، به جریان‌های رادیکالی تبدیل شده‌اند و سلفی گری وهابی، آن‌ها را در مسیر رادیکالیسم مذهبی و سیاسی قرار داده است؛

سوم. ممکن است حتی در یک گرایش سلفی گری، چند جریان وجود داشته باشد که در حوزه‌های مختلف به شدت با یکدیگر مخالف باشند؛ چنان که در سلفی گری‌های وهابی، شبه‌قاره و مصر، چنین وضعیتی کاملاً دیده می‌شود.

چهارم. سلفی گری با وجود اختلاف‌های عمیق در مبانی اعتقادی و سیاسی جریان‌های درونی خود، به دنبال ایجاد رهبری واحد در میان آن‌هاست و این وظیفه را سلفی گری وهابی برعهده گرفته است.

مفاهیم کلیدی دیگر مرتبط با این پژوهش که نیاز به تعریف دارند:

مهم‌ترین نوع سلفی گری تکفیری (تکفیر مسلمانان) وهابیت است. البته سلفی گری جهادی نیز پس از جنگ افغانستان با شوروی سابق دچار انحراف شده در خدمت هدف‌های سلفیان تکفیری قرار گرفت.

این جریان‌ها از آن جهت جریان‌های افراطی خوانده می‌شوند، که روش خشونت‌آمیز و کمک به گروه‌های خشونت‌گرا را در پیش گرفته‌اند (باقری چوکامی، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۱).

داعش: دولت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام) بانام اختصاری داعش که خود را دولت اسلامی (به عربی: الدولة الاسلامیه) نامیده است، گروهی شورشی فعال است که در عراق و سوریه حضور فعال دارد و بخش‌های بزرگی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از جهادگرایان سلفی جدا شده از شبکه‌ی القاعده تأسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است.

داعش در واقع ادامه تشکیلاتی یک گروه از سلفی‌های جهادی در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی است. زرقاوی جزو القاعده بود و سال ۲۰۰۶ در عراق کشته شد. او در اعلامیه‌های خود همواره به فتوای ابن تیمیه استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز خود را دنباله‌رو ابن تیمیه می‌داند. ابن تیمیه پدر معنوی همه گروه‌های تکفیری جهادی است. افکار او روشن و صریح

است، او با اندیشه و عقل به کلی مخالف است مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تائید نقل و احادیث باشد. او هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را حرام می‌داند. او از جمله تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آن‌ها را کافر می‌داند. گروه‌های جهادی برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه شرعی خود می‌دانند.

داعش که از گروه‌های تندرو جدا شده بود فعالیت نظامی خود را در سوریه آغاز کرد و موفق شد، بخش‌هایی از شمال سوریه را تصرف و تقریباً سراسر استان رقه را تصاحب کند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و موفق شد رمادی و فلوجه مرکز استان انبار را در عراق بگیرد. در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی) داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست، موصل دومین شهر عراق را تصرف کند و بخش زیادی از خاک عراق از جمله تکریت را نیز اشغال نماید. سپس در سوریه نیز پیشروی کرد و منطقه‌هایی که دست دیگر مخالفان نظام سوریه در استان‌های دیرالزور و حسکه بود را به دست آورد. البته فعالیت‌های داعش تنها به سوریه و عراق محدود نمی‌شود و فعالیت‌هایی در سایر کشورها دارد.

فرآیند^۱ یا طرح و نقشه^۲ بودن جریان افراط و تکفیر

برای درک درست ارزش ضد امنیتی جریان تکفیر در جهان اسلام ماهیت فرآیندی یا طرح و نقشه بودن آن حائز اهمیت است. (باقری، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۱)

الف) نگاه فرآیندی یا روند تاریخی شکل‌گیری سلفی‌گری تکفیری در جهان اسلام: برخی محققان این جریان را فرآیند طبیعی می‌دانند که در بستر تاریخی و بر اثر دگرگونی‌های معرفتی، روشی و محیطی شکل گرفته است. تبارشناسی این جریان نشان از سه مرحله عقل‌ستیزی، رادیکالیسم روشی و عمل‌گرایی دارد که از واکنش احمد بن حنبل در برابر عقل‌گرایی دوران مأمون شروع می‌شود تا به عبدالله بن وهاب و در حال حاضر رهبران داعش و القاعده تداوم یافته است. (باقری، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۱)

در این بخش موج‌های جریان‌های سلفی تکفیری در طول تاریخ اسلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

موج اول: اندیشه‌های احمد بن حنبل (قرن چهارم ه.ق): در نیمه نخست سده سوم ه. ق، «اصحاب حدیث» با بار معنای پیروان حدیث نبوی مفهومی افتخارآمیز می‌یابد و سنت‌گرایان برجسته‌ای چون احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه، خود و همفکرانش را اصحاب حدیث می‌خوانند (جهانی، ۱۳۹۳: ۷). احمد حنبل را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ مخالفت‌های اصحاب حدیث با گروه‌های مخالف آن از قبیل جهیمه، قدریه، معتزله، همچنین شیعه دانست.

1. Process

2. Project

موج دوم: اندیشه‌های ابن تیمیه (قرن هفتم ه.ق): در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم ه. ق، احمد ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸) و سپس شاگرد او ابن قیم جوزی، عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی احیا کردند. ابن تیمیه به احیای تنها اکتفا نکرد، بلکه به نوآوری‌هایی در مکتب حنبلی دست زد. (جهانی، ۱۳۹۳: ۷). آرای ابن تیمیه راهنمای تند روان مسلمان در قرن‌های بعد شد. برخی او را «پدر معنوی افراط‌گرایی اسلامی سنی» به حساب می‌آوردند. ابن تیمیه محوری‌ترین چهره فکری سلفی و بنیادگرایی اهل سنت و مهم‌ترین توجیه‌کننده نظری خشونت است. (باقری، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۱)

موج سوم: اندیشه‌های عبدالوهاب در عربستان و دهلوی در شبه‌قاره (قرن دوازدهم ه.ق): سرانجام محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تیمی نجدی (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶ ق) با الهام از اندیشه‌های ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم جوزی و با طرح مجدد بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی از سلف صالح و قرائت افراطی را بار دیگر به عرصه منازعه‌های کلامی آورد. وی با آنچه بدعت و خلاف توحید می‌خواند به مبارزه و تکفیر مخالفان برخاست. او مسلمانان را به سادگی اولیه دین و پیروی از سلف صالح دعوت نمود و مظهر بارز سلف صالح از منظر او، احمد بن حنبل بود. به اعتقاد وهابی‌ها وهابیت همان مذهب سلف صالح است و از این رو خود را «سلفی» می‌نامند (کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۳۱). از دهه ۱۹۷۰ به دلیل افزایش ثروت نفت عربستان، وهابیت رشد چشمگیری در جهان اهل سنت داشته است. (عباس زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). ایدئولوژی وهابی از دو گرایش مرتبط به هم تشکیل شده است: اول، تکفیر تقریباً همه مسلمانان غیر وهابی؛ چه رسد به غیرمسلمانان؛ دوم، تغییر افراطی دنیا از طریق انجام یکسری از تهاجمات که باهدف احیای امت اسلامی صورت می‌گیرد. (فؤاد ابراهیم، ۱۳۸۷: ۳۱). بنابراین، نو سلفی و تکفیری کنونی از دو تبار معرفتی و تاریخی نزدیک و دور برخوردار است. از منظر تبار معرفتی نزدیک، می‌توان آن‌ها را حاصل پیوند و ترکیب تفکر اخوانی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و به‌ویژه سلفی گری وهابی ۱۹۷۰ دانست. درواقع تا قبل از بروز و ظهور تفکر وهابی کمتر مشاهده می‌شود که افرادی مانند ابن تیمیه علی‌رغم داشتن عقیده تکفیری در حوزه نظر، جرأت به تیغ کشیدن و کشتن مسلمان در حوزه عمل را نداشت و حتی در وهله‌ای از تاریخ در کنار حاکمان وقت قرار می‌گیرد، مسلمانان را نمی‌کشد اما بعد از وی در قرن دوازدهم که محمد بن عبدالوهاب ظهور می‌کند علاوه بر نظر، در حوزه عمل نیز وارد شده و مسلمانان فراوانی را به خاک و خون کشید. (علیزاده موسوی، روزنامه ۹ دی خرداد ۱۳۹۳) گروه‌هایی چون القاعده و طالبان و انشعاب‌های آن‌ها در مناطق جهان، وارث اندیشه‌ها و مبانی معرفتی دیدگاه‌های تکفیری فوق می‌باشند. در همین راستا محققان بر این باورند که اندیشه‌ی سلفی گری جهادی نیز هنگامی آغاز شد که این جریان در خدمت هدف‌های سلفیان تکفیری قرار

گرفت. سازمان‌هایی مانند «حزب التحریر «و» القاعده «به‌جای مبارزه با کافران، وارد مبارزه‌های عقیدتی درونی دینی شدند. این انحراف که تقریباً پس از جنگ افغانستان با شوروی سابق آغاز شد، رفته‌رفته، بر جنبه‌های فرقه‌گرایی خود افزود و به آلتی در دست متعصبان و گروه‌های تکفیری سلفی تبدیل شد. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۱: ۴۱). در سال ۱۸۵۷ م/ ۱۲۷۳ ق قیام مسلمانان هند علیه انگلستان به‌شدت سرکوب شد و باعث ایجاد گرایش‌های متفاوتی در بین مسلمانان هند گردید. یکی از این گرایش‌ها، بازگشت به اسلام بود، این تفکر بعدها بانام دیوبندیه شناخته شد، که به‌وسیله مولانا محمد قاسم نانوتوی راهاندازی گردید. بنیان‌گذاران دیوبند عمیقاً تحت تأثیر شاه ولی‌الله دهلوی بودند. شاه ولی‌الله که هم‌عصر محمد بن عبدالوهاب بوده است. برخی از دروس دینی را در مدینه نزد ابوطاهر محمد ابن ابراهیم، شارح افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه آموخت. (جهانی، ۱۳۹۳: ۱۹)

موج چهارم: اخوان المسلمین، رشید رضا، سید قطب و مودودی در شبه قاره (قرن چهاردهم ه.ق): اولین جرقه‌های تفکر سلفی ابن تیمیه را در مصر بتوان در سخنان سید محمد رشید رضا (۱۹۳۷ م) جستجو کرد. رشید رضا شاگرد محمد عبده بود و در ابتدا روش اصلاحی آن را پذیرفت، اما در دوران اقامت رشید رضا در مصر دو تن از نوادگان محمد بن عبدالوهاب به مصر آمده و شروع به انتشار آثار محمد بن عبدالوهاب نمودند. رشید رضا تحت تأثیر افکار آنان با ابن تیمیه آشنا و عقاید وی را پذیرفت. وی در مجله المنار به تبلیغ این اندیشه می‌پرداخت و پس از پذیرش تفکرات سلفی، آثار محمد بن عبدالوهاب را با عنوان مجموعه التوحید به چاپ رسانید و خود نیز آثاری همچون الوهابیه والحجاز تألیف کرد. سید قطب نیز مهم‌ترین و اثرگذارترین چهره اسلام سنی در دوره معاصر است کتاب معالم فی الطريق قطب، به‌عنوان مانیفست بنیادگرایی نیز تعبیر می‌شود. (مرادی، ۱۳۸۴: ۲۵۴-۲۲۹). بعد از رشید رضا گسترش تفکر سلفی در مصر مدیون اخوان المسلمین است که پیرو معتدل تفکرات سلفی‌اند. اخوان در ۱۹۲۸ توسط حسن البناء در اسکندریه تأسیس شد. شخص حسن البناء دارای گرایش صوفیانه بود که بازتاب آن در نوشته‌هایش، به‌خصوص المناجاه دیده می‌شد (بنا، بی تا ۵۶۴-۵۶۸) و از همین‌جا، جدایی آبخور افکار او از وهابیت آشکار است. بنا خود در تصویری کلی که از دعوتش به دست داده، آن را «دعوتی سلفی، طریقتی سنی، حقیقتی صوفیانه و ساختاری سیاسی...» دانسته است (بنا، بی تا ۲۷۳-۲۷۴). حسن البناء خود را تلفیقی از سید جمال، عبده و رشید رضا می‌داند. آنچه در روایت بنا درخور توجه می‌نماید، نقد «خشونت» و نفی ضرورت کاربرد آن برای تحقق آرمان‌های دینی است که به گمان وی کاربرد زور را بسیار تحدید و تابع شرایط خاص می‌سازد. یکی از جریان‌ات برآمده از دل مکتب دیوبند حرکتی است که ابوالاعلی مودودی آن را پایه‌گذاری نمود. سید ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹ م.

۱۲۸۲-۱۳۵۸ ش) از متفکران و دانشمندان بلندآوازه معاصر جهان اسلام بود که در اندیشه و عمل مبانی حکومت‌های اسلامی امروزی را که بر مبنای حکومت‌های غربی با نوعی گرایش ناسیونالیستی شکل گرفته بودند، به چالش کشاند. و چون هیچ‌یک از حکومت‌های کشورهای اسلامی امروزی را حکومت اسلامی واقعی نمی‌دانست، تلاش خود را برای تشکیل حکومت اسلامی آغاز کرد. ابوالاعلی مودودی با نگاهی نو به مسائل دینی و مذهبی و با شکستن مرزهای باورهای جزمی سلفی و ارائه برداشت‌های نو و متفاوت، برخی از باورهای سلفی را به نقد کشیده و از بنیان‌گذاران جریان نوسلفیه به شمار می‌آید. مودودی با ارائه الگوی «نئودمکراسی» و مطرح کردن نظریه «جواز خروج بر حاکم ظالم» و همچنین با ارائه تفسیری متعادل از تئوری «عدالت صحابه» و نیز با به رسمیت شناختن «مذاهب اربعه و مذهب جعفری» و «وحدت اسلامی»، بنیادهای نظری این جریان را تبیین کرد. (جهانی، ۱۳۹۳: ۱۷-۲۲) نگاه ایجابی و افراطی به جهاد از یک‌سو و نقد بنیادی و براندازانه مودودی نسبت به مکاتب رقیب، برخی از او به‌عنوان «پدر جنبش‌های افراطی و پیکارجوی اسلامی» در جهان معاصر یاد می‌کنند و سازمان‌هایی رادیکالی چون جماعه الاسلامیه، التکفیر و الهجره و جماعت المسلمین، خود را وام‌دار اندیشه‌ها و عمل وی می‌دانند. (خسروی، ۱۳۸۴: ۱-۷۵).

موج پنجم: شکل‌گیری القاعده جهانی و طالبان قرن نوزدهم هجری: اشغال افغانستان به‌عنوان یک کشور اسلامی از سوی اتحاد جماهیر شوروی کمونیست واکنش بسیار مهمی را در جهان اسلام به وجود آورد. عبدالله عزام از دیگر اندیشمندان این طیف فکری جز مجاهدان در افغانستان بود. این جریان بعد از عبدالله عزام به دو تئوری پرداز دیگر یعنی ایمن الظواهری و بن لادن می‌رسد. درواقع این افراد بر منظومه فکری ابن تیمیه و ابن قیم با توجه به مقتضیات روز و سؤالات مطروحه و ناظر به روش‌شناسی حنبلی و ظاهر گرایانه پاسخ‌های از درون متون دینی دادند. اینان هرکدام بر دستاوردهای قبلی چیزی افزودند و یا کاستند و به برپا کردن الهیاتی که به نام «الهیات مرگ» معروف است همت گماردند. درنهایت سلفی با اعلام تشکیل جبهه جهانی اسلام برای جهاد با یهودیان و صلیبی‌ها به رهبری بن‌لادن عربستانی و ایمن الظواهری مصری، بیش‌ازپیش توجه به گرایش‌های مبارزاتی را موردتوجه خود قرارداد. این جریان فکری خود را به افغانستان محدود نکرد، بلکه برای خود مسئولیت اشاعه تعالیم اسلام مبتنی بر قرائت سلفی به سایر کشورهای منطقه را در نظر گرفته بود. این گروه ضمن اختلاف نظر با سایر گروه‌های سنی، سرسختانه نسبت به شیعیان کینه می‌ورزید و به همین خاطر به مراتب سیاستی خشن در قبال شیعیان به کار می‌برند (عباس زاده، فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

موج ششم: اقدام غیرمتمرکز و خوداتکای منظومه‌ها و انقطاع از مرکزیت القاعده قرن

بیستم طالبان افغانستان (ظهور القاعده): گفتمان طالبانیسم با کارگزاری عالمان و طلبه‌های تحصیل کرده در حوزه‌های دینی اهل سنت در پاکستان و افغانستان پایه‌گذاری شد. مهم‌ترین اصل در اندیشه سیاسی دیوبندی و سایر گروه‌های بنیادگرای افراطی از جمله طالبان، احیای اصل خلافت در نظام سیاسی اسلام است. در تئوری ((خلافت)) و ((امارت)) مردم و احزاب جایگاهی ندارند. تعدادی از سران قبایل و نخبگان دینی تحت عنوان اهل حل و عقد گرد هم آمده و فردی را برای این پست نامزد می‌نمایند و آنگاه تمام اختیارات کشور به شخص خلیفه یا امیرالمؤمنین منتقل خواهد شد. طالبان به وضوح اعلام کرد که در افغانستان انتخابات برگزار نخواهد شد؛ چون انتخابات یک تقلید غیر اسلامی است.

موج هفتم: پدید آمدن جریانات تکفیری در منطقه (داعش عراق و سوریه) با حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس، اردن و ترکیه قرن بیست و یکم: در سال ۲۰۰۶ م. «تنظیم القاعده فی بلاد الرافدین» (جماعه التوحید و الجهاد) به رهبری ابومصعب الزرقاوی (از فرماندهان باسابقه القاعده و نماینده آن در عراق) تأسیس شد. (کرمی، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۶) در سال ۲۰۰۵ م. در راستای راهبرد القاعده مبنی بر تأسیس امارت و دولت‌های کوچک و حتی کوچ شونده، الدولة الاسلامیه فی العراق تشکیل گردید. با قتل امیران این دولت، ابومصعب الزرقاوی در ۲۰۰۶ م؛ و ابوعمر البغدادی در ۲۰۱۰ م. ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرایی معروف به ابوبکر البغدادی توسط مجلس الشوری به امیری دولت اسلامی عراق منصوب گردید. بغدادی علی‌رغم مخالفت مرکزیت القاعده، در ۲۰۱۳ م. حوزه عملیاتی خود را به سوریه گسترش داد و با اشغال بخش‌هایی از خاک سوریه، نام الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام (داعش) را بر سازمان خود نهاد و در سال ۲۰۱۴ م. با تهاجم به استان نینوا، عراق و اشغال موصل، اعلان خلافت اسلامی کرد و از همه مسلمانان خواست که برای بیعت با او به عراق هجرت نمایند. (ابوهمام بکر، ۱۴۳۵: ۲-۵)

ب) نگاه طرح و نقشه‌ای: برخی معتقدند که جریان تکفیر بیش از آنکه یک فرآیند و فرآیندی طبیعی برآمده از ساختار دین و شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد، طرح و نقشه و ساخته و پرداخته‌ی غرب و نظام سلطه است. به بیان دیگر مسأله افراط و تکفیر در جهان اسلام و خاص در منطقه خاورمیانه بیش از آنکه یک جریان باشد، جریان سازی از سوی سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای غربی است. محققان تاریخ وهابیت ثابت کرده‌اند که این فرقه در اصل به دستور مستقیم دولت بریتانیا ایجاد شد، به عنوان مثال کتاب‌هایی چون پایه‌های استعمار از خیری حماد و تاریخ نجد از سنت جان ویلی و یا خاطرات حایم وایزمن اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و نیز خاطرات مستر همفر و...، نقش جاسوسان وزارت مستعمرات انگلیس را در شکل‌گیری و تثبیت این فرقه،

حکایت می‌کند. (همفر، ۱۳۶۱: ۳۲) در شکل‌گیری القاعده علاوه بر اشخاصی که رهبری و مدیریت سازمان را عهده‌دار بودند، دولت‌های متعددی مانند عربستان، پاکستان و ایالات متحده نیز همکاری بسیار مؤثری داشتند که بدون این همکاری‌ها امکان تأسیس چنین تشکیلاتی وجود نداشت. (فدوی، ۱۳۸۰: ۲۹). به گفته زیگنیو برژینسکی، وزیر خارجه اسبق امریکا، ایالات متحده می‌گوید: طبق روایت رسمی تاریخ، کمک سیا به مجاهدین در سال ۱۹۸۰ آغاز شد؛ یعنی پس از حمله شوروی به افغانستان در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ اما واقعیت این است که در ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ رئیس‌جمهور، کارتر، اولین دستورالعمل را برای کمک مخفی به مخالفان رژیم هوادار شوروی در کابل امضا کرد. (خلیل اسعد، ۱۳۸۰: ۷۳) اعتراف هیلاری کلینتون، وزیر سابق خارجه‌ی آمریکا در نشستی با برخی از اعضای کنگره، پیرامون چگونگی مواجهه‌ی آمریکا با القاعده در خاورمیانه مؤید دیگری در این رابطه است وی گفت: ما گذشته‌ی مشترکی با سازمان القاعده داریم. کسانی را که امروز با آن‌ها در افغانستان و پاکستان می‌جنگیم ۲۰ سال پیش خودمان به وجود آوردیم. (رضاخواه، ۱۳۹۲/۶/۶). وی در کتاب خاطراتش تولد پدیده دولت اسلامی (داعش) رتبه آمریکان نسبت می‌دهد همچنین که ترامپ کاندید ریاست جمهوری آمریکانیز در رقابت‌های انتخاباتی خود به این مورد اشاره دارد. اگرچه سیاست‌های آمریکا و غرب در سازمان‌دهی و تجهیز سازمان‌های تکفیری مانند طالبان و القاعده برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی بود اما این همه اهداف آن‌ها را تشکیل نمی‌داد بلکه علاوه بر آن محدودسازی ایران و ایدئولوژی انقلابی آن از طریق حمایت از جنبش‌های رادیکالیست ضد شیعی، مانند القاعده نیز مدنظر بود؛ مسأله‌ای که شیرین هانتر نیز به آن اشاره می‌کند (هانتر، روزنامه سلام، ۱۳۷۷/۷/۷) و ژیلبر آشکار، نویسنده فرانسوی لبنانی تبار، بر آن تأکید می‌ورزد. زیرا وجود این جریان علاوه بر مبارزه با شوروی، هم می‌توانست مانع از نفوذ انقلاب ایران در میان سایر کشورهای اسلامی شود و هم به تولید جریان آنتی‌تز انقلاب اسلامی در آینده بینجامد (آشکار، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۵) در مورد طالبان نیز نقش سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و برخی از کشورهای منطقه آشکار است. واشنگتن در عین آنکه به‌طور رسمی از طالبان حمایت نمی‌کند اما شواهد و روابط میان آمریکا و طالبان نشان از حمایت واشنگتن از این جنبش سلفی رادیکال دارد. برای نمونه، دانا روبچر، از نمایندگان مجلس آمریکا، می‌گوید: حمایت از طالبان همیشه جزء جدایی‌ناپذیر سیاست ایالات متحده بوده و هست. (عصمت الهی، ۱۳۷۸: ۱۱۰) نکته قابل توجه این است که پس از پایان جنگ سرد، راهبرد اساسی آمریکا در خصوص القاعده، تحریف آن، نفوذ در برخی رهبران القاعده و از بین بردن افراد مستقل بوده است. (نک. افشار، ۱۳۹۱) از طرفی اعتراف هیلاری کلینتون، وزیر سابق خارجه‌ی آمریکا که گفته بود: من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان

این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تأسیس داعش، این گروه به رسمیت شناخته شود. (باقری، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۱) در نگاه فرآیندی بیشتر توجه به ریشه های شکل گیری و در نگاه پروژه های تأکید بر حامیان جریان های سلفی تکفیری است.

ارزیابی دلایل دیدگاه های فوق، به این نتیجه رهنمون می شود که هر یک از دیدگاه های فرآیندی و طرح و نقشه ای دارای واقعیت های است. از این رو می توان نتیجه گرفت که افراط و تکفیر جریان فرآیند- طرح و نقشه ای است. (باقری، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۱) بدین معنا که قدرت ها و نظام سلطه بر اساس بسترهای فرهنگی و فکری جوامع دست به احیاء و جریان سازی افراط گرایی و پروژه اسلام علیه اسلام زده اند. از نظر رهبر معظم انقلاب جریان های تکفیری به لحاظ معرفتی ریشه در برداشت ناصواب از دین اسلام دارند اما در سناریوی قدرت های سلطه قرار گرفته اند. «سرویس های جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی پشت سر این گروه های افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما رؤسایشان می دانند. این را آمریکا می خواهد؛ بنابراین آن ها هم بایستی بیدار و متوجه باشند»؛ بنابراین عوامل بروز و ظهور جریان تکفیر قابل جستجو است از جمله مهم ترین آن ها: بسترها و زمینه های تاریخی اندیشه و تفکر در جهان اسلام؛ مواجهه و رویارویی دویست سال اخیر جهان غرب با دنیای اسلام؛ خیزش و بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران و عملکرد سیاسی، نظامی، اقتصادی غرب در رقابت با حیات مجدد اسلامی (پارسانیا، ۱۳۹۳).

گونه های سلفی گری

سلفی گری را می توان به گونه هایی که در پی می آید تقسیم کرد (علیزاده موسوی، ۱۳۹۱: ۹۴-۱۰۲):

۱) سلفی تکفیری: سلفی گری تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می شود که مخالفان خود را کافر می شمردند. بر اساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد؛ به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبایر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده ای داشتند، خوارج بودند.

۲) سلفی جهادی: نظریه پردازی درباره ی سلفی گری جهادی ریشه در اندیشه ی اندیشمندان مصری دارد. سرچشمه ی این نوع از سلفی گری را نخست باید در اندیشه های «سید قطب»، رهبر شاخه ی انقلابی «اخوان المسلمین» مصر جست و جو کرد. سید قطب با برشمردن مفاصد عصر حاضر، جهان امروز را جامعه ی جاهلی معرفی کرد. وی که متأثر از اندیشمند پاکستانی «ابوالاعلی مودودی» بود نه تنها کشورهای غیر اسلامی، بلکه کشورهای اسلامی را نیز به علت اجرا نکردن قوانین اسلامی، «جوامع جاهلی» نام نهاد.

وی در چنین شرایطی «جهاد» را مطرح می‌کند و بیان می‌کند که در این شرایط مسلمانان وظیفه‌دارند برای برپایی دین چه با کفار و چه با حاکمان دست‌نشانده‌ی کشورهای اسلامی جهاد کنند. چنین رویکردی موجب شد که «اخوان المسلمین» با تأثیر از اندیشه‌های سید قطب، مواضعی جهادی در برابر دولت مصر بگیرد.

گروه مصری دیگری که در ایجاد اندیشه‌ی سلفی‌گری جهادی تأثیر داشت، «جماعت اسلامی مصر» بود که «عبدالسلام فرج» مانیفست جهادی آنان را نوشت. وی در سال ۱۹۷۹ میلادی در کتاب «الفريضة الغائبة» جهاد را به‌عنوان واجبی که فراموش شده است، مطرح کرد و میان گروه جهادی و جماعت اسلامی مصر، پیوندی ایجاد شد که سرانجام، به ترور «انور سادات» انجامید (علیزاده موسوی، ۱۳۸۰)؛ اما در دیدگاه‌های سید قطب و عبدالسلام فرج، جنگ‌ها و اختلاف‌های فرقه‌ای وجود نداشت و عامه‌ی مردم و علما به علت اختلاف عقاید مورد حمله و کشتار قرار نمی‌گرفتند.

۳) سلفی تبلیغی (مدخلی): سلفی‌گری تبلیغی بیشتر در برابر سلفی‌گری جهادی مطرح می‌شود. این نوع سلفی‌گری محور فعالیت‌های خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفیت قرار می‌دهد. این سلفی‌گری می‌کوشد تا در عصر جهانی شدن، با بهره‌برداری از فن‌آوری‌های پیشرفته‌ی ارتباطی، گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد. چندین هزار سایت اینترنتی و چند شبکه‌ی ماهواره‌ای، مسئولیت تبلیغ دیدگاه‌های سلفی‌گری را به عهده‌دارند. معمولاً در باب تبلیغ نیز این جریان‌ها در دو محور فعالیت می‌کنند:

اول. ترویج مبانی سلفی‌گری: سلفیان تبلیغی می‌کوشند تا معارف و مبانی خود را در قالب روش‌های نوین به جهانیان عرضه کنند که از جمله این مباحث می‌توان به مواردی چون: حدیث‌گرایی، گذشته‌گرایی، ترویج مفاهیم اعتقادی تحریف‌شده‌ی خود مانند توحید و شرک و ایمان و کفر و... اشاره کرد.

دوم. شبهه افکنی: بخش دیگر و مهم‌تر از بخش اول در سلفی‌گری تبلیغی، القای شبهه برای تخریب عقاید مسلمانان و به‌ویژه شیعیان است.

۴) سلفی سیاسی: تعریف سلفی‌گری سیاسی نسبت به انواع دیگر سلفی‌گری با دشواری‌های بیش‌تری همراه است؛ زیرا از یک‌سو بسیاری از جریان‌های سلفی‌گری، هدف‌های سیاسی را در کنار هدف‌های اعتقادی دنبال می‌کنند و از سوی دیگر، غربی‌ها به حرکت اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشد، عنوان سلفی‌گری سیاسی می‌دهند. در این نگاه تعبیرهایی مانند «بنیادگرایی» و «اسلام سیاسی» نیز مترادف این مفهوم شمرده می‌شود. حزب جماعت اسلامی مودودی، در غرب به‌عنوان «حزب سلفی سیاسی» شناخته می‌شود، در حالی که دیدگاه‌های سلفی به معنی مصطلح در آن دیده نمی‌شود. گاهی انقلاب اسلامی ایران نیز انقلابی سلفی یا بنیادگرایانه که مترادف با «سلفی

گری سیاسی» معرفی می شود.

اما در مجموع در تعریف سلفی گری سیاسی می توان گفت، سلفی گری سیاسی، نوعی از سلفی گری است که با وجود داشتن هدف های اعتقادی، بیش تر در پی هدف های سیاسی و به دست آوردن قدرت سیاسی است. جریان وهابیت نوگرا، هر چند سلفی هستند، اما بیش از آنکه دغدغه ی دین داشته باشند، بیش تر به دنبال حفظ و کنترل قدرت اند. نظام پادشاهی عربستان که ارتباط بسیاری با کشورهای غربی دارد و از دین به عنوان ابزاری برای نیل، به خواسته های خود استفاده می کند. اخوان المسلمین مصر که علاوه بر اندیشه های سلفی، در پی ایجاد حاکمیت سیاسی است، را می توان در ردیف سلفی گری سیاسی قرار داد. برخی از گروه های تندرو که دارای عقاید سلفی و گاه تکفیری هستند، در کنار نگاه فرقه گرایانه خود هدف های سیاسی را نیز دنبال می کنند، مانند «طالبان» که به دنبال ایجاد حکومت بر مبنای مدل خلافتی است. به زبان دیگر می توان جریان های سلفی را به دو گروه عمده تقسیم کرد: گروه هایی که از راه فعالیت های سیاسی، بیش تر در پی هدف های اعتقادی هستند؛ مانند طالبان و جمعیت العلمای اسلام، شاخه ی فضل الرحمن. گروه های دیگر کسانی هستند که با بهره برداری از مبانی اعتقادی به دنبال هدف های سیاسی هستند؛ مانند جریان نوگرای وهابیت، شاخه هایی از جریان های محلی وابسته به القاعده مانند «سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» در عراق و گروه معدوم «جند الله» در ایران.

۵) سلفی اصلاحی (تنویری): سلفی گری تقریبی، از نظر مفهومی و روشی با گونه های دیگر سلفی گری متفاوت است. این نوع سلفی گری در واکنش به وضعیت اسفناک جهان اسلام و مسلمانان شکل گرفت. سلفی گری تقریبی در پاسخ به این پرسش شکل گرفت که «چرا جهان اسلام در قرن های اخیر و کنونی به کشورهای عقب مانده و ضعیف تبدیل شده اند، در حالی که گذشته ی بسیار درخشانی داشته اند؟»

پیروان سلفی گری تقریبی در پاسخ به این پرسش، علل عقب ماندگی جهان اسلام را فراموشی میراث اسلامی و عمل نکردن به تعالیم آن بیان کرده اند. هدف این گروه، نه ایجاد اختلاف و دامن زدن به فرقه گرایی، بلکه تقریب و همگرایی جهان اسلام بود. از این رو، به این گروه «مصلحین» نیز گفته می شود. پس مراد این گروه از سلف، نه بازگشت به مواضع و کارهای صحابه و تابعین و تابعین است، بلکه بازگشت به اصول و فرامین اسلام که در کتاب و سنت آمده و در عین حال توجه به شرایط زمان و مکان و استفاده از عقلانیت است. بی تردید معنی و مفهوم واقعی سلفی گری که به غلط به جریان های تکفیری و فرقه گرا گفته می شود، همین نوع از سلفی گری است.

تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برهه زمانی کنونی را می توان در ابعاد

تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم و در چهار حوزه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی تقسیم‌بندی کرد. تفاوت عمده تهدید نرم با سخت فقط در ابزار و هدف آن‌ها است. اصولاً برای مقابله با تهدیدها نیاز به قدرت است. هر کشوری با توجه به نظام سیاسی دارای قدرت ملی است. قدرت ملی کشورها دارای عناصری است که می‌توان آن را به عناصر مادی، (قدرت نظامی، اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و سرزمین و غیره) و غیرمادی (سیاسی و فرهنگی) تقسیم کرد. در ساختار نظام بین‌الملل کنونی هر کشوری که از قدرت لازم برخوردار نباشد امکان مقابله با تهدیدها را نخواهد داشت.

هر کشوری بر اساس منافع ملی عمل می‌کند و منافع ملی هم در قالب قدرت قابل تعریف است. (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۸۳). به‌طور طبیعی کشوری می‌تواند اهداف و مقاصد ملی خود را پیش ببرد که قدرت بیشتری را به صحنه بیاورد و به بهترین روش، قدرت حریف را تضعیف نماید. قدرت شامل قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی، تبلیغی و... است. در حال حاضر، برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت، قدرت فرهنگی به معنای عام است که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بُعد قدرت را افزایش و گسترش داده و با استفاده از این وجه قدرت، بر سایر بازیگران تأثیر گذاشته و آن‌ها را از میدان رقابت خارج سازند. جمهوری اسلامی نماد اسلام است؛ بنابراین هر چه قوی‌تر باشد، جهان اسلام هم قوی‌تر است و هر چه توان عملش بیشتر باشد، به نفع مسلمانان جهان است. از آنجایی که جریان سازی افراط و تکفیر راهبرد غرب برای چالش‌های تمدن لیبرالی است، جریان سرمایه داری از ناحیه اسلام سیاسی با سه چالش اساسی روبرو است:

چالش اول) رشد و نفوذ اسلام‌گرایی در جهان

چالش دوم) بیداری اسلامی

چالش سوم) نفوذ و عمق‌یابی گفتمان مقاومت اسلامی: چنانچه رهبر معظم انقلاب در این زمینه فرمودند: «نگرانی جدی دیگر قدرت‌ها استکباری، گسترش اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام عزت و هویت، اسلام مخالف سلطه بیگانگان، از ایران به نقاط مختلف دنیای اسلام است.

در دکترین قدرت‌های غربی، خاورمیانه محل تعیین‌کننده نظام بین‌المللی و هندسه قدرت جهانی است و عامل حفظ و توسعه برتری امریکا در نظم نوین است. گفتمان مقاومت اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان معارض جدی و اساسی این نظم تلقی شده و عملاً نیز این نظم توسط گفتمان مقاومت با چالش اساسی روبرو شده است. بنابراین اوباما، با تفسیری متفاوت از جنگ تمدنی بعد از بوش، رویارویی با تهدید اسلام‌گرایی را همچنان در دستور کار خود قرار داد، و در چارچوب قدرت هوشمند، جریان سازی افراط و تکفیر احیاء و باز تولید گردید.

مهم‌ترین اهداف راهبردی قدرت‌های غربی و عربی برای تغییر نظم خاورمیانه به نظم متناسب با تحول در هندسه قدرت جهانی:

- (۱) تغییر موازنه جبهه مقاومت-سلطه به موازنه شیعه-سنی؛
- (۲) تضعیف عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛
- (۳) بحران سازی در سرمایه اجتماعی مقاومت؛
- (۴) بحران سازی در عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران، به دلیل:
 - (الف) اهمیت یافتن ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران؛
 - (ب) افزایش موج آمریکا ستیزی و صهیونیسم ستیزی؛
- (۵) تجزیه کردن خاورمیانه (باقری، ۱۳۹۳: ۲۹-۶۰)

بنابراین دشمن در جمهوری اسلامی ایران، برای اجرایی کردن نقشه استعماری فرانویین و تأمین منافع ازدست‌رفته خود مجبور به از بین بردن ارزش‌های دینی، انقلابی و دفاع مقدس در جامعه است تا از طریق آن بتواند رفتار و سیاست‌های موردقبول خود را در بین ارکان نظام و آحاد مردم پیاده کند. از طرفی ارزش‌های در نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل اصیل بودن و عقبه اعتقادی و دینی، فناپذیر است ولی دشمن با شیوه‌های مختلف به میدان آمده، در کنار تحریم اقتصادی، تحریک کشورهای منطقه، نفوذ، استفاده از جریان‌های سلفی تکفیری و ... جنگ روانی و تبلیغاتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در صدد تغییر ارزش‌ها است به صورتی که ضد ارزش‌ها را جایگزین ارزش‌ها کند یا در مقابل ارزش‌های نظام اسلامی با استفاده از تفکرات تکفیری گفتمان جدید مقابل گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد و مانع نفوذ انقلاب اسلامی در جهان اسلام گردد تا بتواند با ایجاد شکاف و اختلافات مذهبی در جهان اسلام به اهداف پلید خود دست یابد.

محیط‌شناسی پژوهش

محیط امنیتی هر جامعه‌ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فرم‌اسیون‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، عقیدتی و ارزش‌ها، مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم و یا بی‌نظمی جهانی، فناوری، مسابقه‌ی تسلیحاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی) است. چنین محیطی امنیتی، همواره حامل «تهدیدها» و «فرصت‌هایی» است؛ که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلتشان از آنان نصیبی می‌برند. کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موقعیت در جنوب غربی آسیا واقع شده و بخش وسیعی از فلات ایران را در برمی‌گیرد. موقعیت خاص ایران نیز که در مرکز ثقل یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به آسیا و خاور دور وصل می‌کند. به‌طوری‌که از گذشته

تاکنون چهارراه تمدن‌ها محسوب گردیده و از نظر موقعیت دریایی و زمینی از موقعیت فوق‌العاده مناسبی برخوردار است. به‌طوری‌که ارزش «ژئوپلیتیکی» ایران به حدی است که هرگونه تغییری در حاکمیت آن توانسته است موازنه‌ی «منطقه‌ای» و «جهانی» را بر هم زند. به همین سبب بازیگران اصلی «منطقه‌ای» و «فرا منطقه‌ای» همواره در ادوار مختلف تاریخی نقش تعیین‌کننده‌ای را در معادلات قدرت برای ایران قائل هستند. به‌طوری‌که یکی از دغدغه‌ها و معضلات محیط امنیتی خارجی ایران، دست‌اندازی‌های نهان و آشکار این بازیگران بوده است.

برنامه‌ریزی دفاعی ایران برای مقابله با تهدیدهایی است که فراروی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است. هم‌اکنون، طیف گسترده‌ای از تهدیدها، امنیت ملی ایران را با مخاطره روبرو ساخته است. از آنجایی که ساختار دفاعی ایران بر اساس جلوه‌هایی از خوداتکایی شکل گرفته است، بنابراین نمی‌توان نسبت به تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی بی‌تفاوت بود. جدال‌های آمریکا را می‌توان یکی از شاخص‌های تهدید علیه امنیت ملی ایران دانست. جلوه‌های دیگری از تهدید از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین منطقه خاورمیانه بزرگ ایجاد شده است. به این ترتیب، نهادهای دفاعی ایران می‌بایست نسبت به فضای ایجاد شده واکنش نشان دهند. ایران به عنوان یکی از پنج کشور جهان با جمعیت غالب شیعه (در کنار عراق، بحرین، آذربایجان و لبنان) و جمهوری اسلامی به عنوان تنها نظام شیعی برای ادامه بقا، باید واقعیت‌های محوری محیط راهبردی درونی و بیرونی خود را بشناسد و بر اساس اصل برتری منافع ملی و با تأکید بر اعمال موازین کلان قانون اساسی، گزینه مناسبی را برای کاهش تهدیدهای راهبردی و تبدیل آن‌ها به فرصت به کار گیرد. در شرایط و اوضاع کنونی منطقه خاورمیانه و موفقیت‌های جبهه‌ی مقاومت در سوریه حاکی از ایجاد زمینه‌های مطلوب برای اقتدار منطقه‌ای ایران بوده و نمادی از ارتباط تنگاتنگ میان دگرگونی در وضعیت با کارکردهای دیپلماتیک برای کشور ایران است. از نظر سلفی‌ها و حامیان منطقه‌ای آن‌ها، عراق جدید با توجه به نقش فرصت‌ساز شیعیان آن، مهم‌ترین حلقه اتصال راهبردی ایران به حوزه‌های رقابت و نفوذ در سطح منطقه به حساب می‌آید. به‌ویژه آنکه، در دوره جدید، درجه تعاملات دو کشور برای نخستین بار بر محور اتصالات طبیعی فرهنگی و سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌ها، به‌طور همزمان قرار گرفته و موجب ارتقا روند همگرایی و همکاری آن‌ها در مناسبات منطقه‌ای نیز خواهد شد. ولید بن طلال، یکی از شاهزادگان سعودی، در راستای موضع‌گیری کشورهای عربی علیه تحول ژئوپلیتیک منطقه که اوج آن در اظهارات پادشاه اردن (شکل‌گیری هلال شیعی) ظاهر شد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۵۴)

در حال حاضر آمریکا با ایجاد اختلاف در بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس با طرح مسائل مربوط به جزایر سه‌گانه و غیره برای یافتن بازار تسلیحات آمریکایی در بین اعراب

است که آن‌ها را از خطر بنیادگرایی اسلامی و گسترش حوزه نفوذ ایران می‌ترسانند. این مسأله حتی در تهاجم‌های جولای (۲۰۰۶ م) رژیم صهیونیستی به لبنان (معروف به جنگ ۳۳ روزه) و دسامبر (۲۰۰۸ م) به نوار غزه (معروف به جنگ ۲۲ روزه) و دفاع جنبش‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و مقاومت حماس، غرب سیاسی را بر آن داشت تا با تمسک به حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله و حماس و نیز ترویج تهدیدهای متعدد در میان اعراب، آنان را وادار به خریدهای نجومی تسلیحات نظامی نماید. از طرفی به نقل از منابع آگاه (سخنرانی دکتر نوحی شنبه دوم مرداد ۱۳۹۵) با توجه به شکست رژیم صهیونیستی در این دو جنگ با گروه‌های مقاومت، باهدف تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و تضعیف مقاومت اسلامی و انحراف بیداری اسلامی و تضعیف، انحلال و مشغول سازی ارتش‌های کشورهای اسلامی با تحریک، مدیریت و تأمین مالی گروه‌های سلفی تکفیری مانند داعش، النصره و غیره آن‌ها را با برنامه‌ریزی قبلی در کشور عراق و سوریه برای مقابله با جریان مقاومت و انحراف بیداری اسلامی با جنگ مذهبی و درون تمدنی به صورت جنگ نیابتی صف‌آرایی نمود.

راهبرد^۱

از نظر معناشناسی، واژه «استراتژی» ریشه یونانی دارد و ابتدا به صورت «استراتگوس» و به مفهوم یک نقش (یک فرمانده در نقش فرماندهی یک ارتش) به کار می‌رفت. پس از آن به معنای «هنر یک فرمانده نظامی» تعبیر شد که به مهارت‌های رفتاری و روانشناختی فرمانده اشاره داشت. در حدود ۴۵۰ سال پیش از میلاد به معنای مهارت مدیریتی (اداره، رهبری، قدرت) به کار رفت. گذشته از تعاریف سنتی از استراتژی، امروزه شاهد تعاریف زیادی در مفهوم استراتژی هستیم به عنوان نمونه استراتژی عبارت است از: هدایت و مدیریت تمامی منابع یک ملت و یا گروهی از ملت‌ها، جهت کسب اهداف سیاسی معین (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۲). نگارنده پنج نسل از تعاریف را از یکدیگر تمییز داده که عبارتند از: هنر جنگیدن، مدیریت جنگ، برنامه‌ریزی سازمانی، مدیریت ملی و بالاخره مهندسی جهانی. در پژوهش حاضر «نسل چهارم» (یعنی مدیریت ملی) مدنظر است.

راهبرد دفاعی^۲

راهبرد دفاعی یا همان استراتژی دفاعی عبارت است از: «علم و هنر به کارگیری همه قدرت کشور در جهت دفع تهدید یا تهدیدها و تأمین امنیت ملی.» (محمد زاده، ۱۳۷۸: ۱۵). جان ام. کالینز می‌گوید: فن و علمی که قدرت ملی را تحت تمام شرایط به منظور کنترل طرف مقابل به اندازه و طریق موردنظر، با به کار بردن تهدید نیروهای مسلح، فشار

1. Strategy
2. Defence Strategy

غیرمستقیم سیاسی و سایر ابزارهای قابل تصور، بسیج می کند و بدین وسیله علایق و مقاصد امنیت ملی را برآورد می سازد (عزتی، ۱۳۸۰: ۹). علم و هنر به کارگیری همه ی قدرت کشور در جهت مقابله با تهدید یا تهدیدها علیه امنیت ملی است. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۹۶). اکثراً راهبرد دفاعی را فراتر از قلمرو نظامی و حیطه نیروهای مسلح می دانند و آن را به کاربرد قدرت ملی که شامل مؤلفه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است، ربط می دهند. (بوالحسنی و افشردی، ۱۳۹۳). غلامعلی رشید با در نظر گرفتن سیاست دفاعی، تعریف راهبرد دفاعی را این گونه بیان می کند: «راهبرد دفاعی عبارت است از؛ چگونگی توزیع و به کارگیری منابع و مقدورات و ابزارهای ملی برای تأمین اهداف دفاعی» (افشردی و نوذری، ۱۳۹۱) که این تعریف در این تحقیق مدنظر است.

عوامل مؤثر در تدوین راهبرد دفاعی

چنانچه هدف، ابزار و روش را عناصر اصلی راهبرد دفاعی بدانیم عوامل و متغیرهای راهبرد دفاعی را در قالب جدول زیر می توان نشان داد: (رشید، ۱۳۸۶: ۵)

جدول شماره ۱: عوامل مؤثر در تدوین راهبرد دفاعی

مفهوم	هدف	عوامل و متغیرها	منابع و ابزار و مؤلفه ها	وظیفه
راهبرد دفاعی	تأمین منافع از طریق حفظ و یا ارتقاء قدرت	شناخت و بررسی و تجزیه و تحلیل منابع و مؤلفه های قدرت	عوامل قدرت (عوامل ژئوپلیتیک)	به کارگیری مؤلفه های قدرت

همان گونه که در این جدول مشاهده می گردد، بخش اعظم منابع، ابزار و مؤلفه های قدرت ملی یک کشور، عوامل ژئوپلیتیک هستند و طراحی راهبرد دفاعی مطلوب برای کشور، بدون توجه به عوامل ژئوپلیتیکی، امکان پذیر نخواهد بود (افشردی و نوذری، ۱۳۹۱). بر این اساس عوامل مؤثر در تدوین راهبرد دفاعی شامل همه ی مؤلفه ها یا عناصر قدرت ملی شامل: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانی، نظامی و اطلاعاتی است.

تجزیه و تحلیل داده ها

اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش SWOT مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در این مدل پس از شناخت راهبرد، عوامل محیطی مؤثر بر اهداف راهبردی مورد بررسی و پس از تعیین موقعیت و موضوعات اساسی، راهبردهای مقابله با جریان های تکفیری با استفاده از نقطه نظرات نخبگان پیشنهاد خواهد گردید. حاصل این تجزیه و تحلیل پاسخ به این پرسش بنیادی از منظر نخبگان خواهد بود که؛ وضعیت کشور برای مقابله با جریان های تکفیری و مطلوب راهبردی ترسیم شده برای آن، در چه وضعیتی قرار دارد. بدین منظور، چهار گام اساسی زیر برداشته خواهد شد.

ارزیابی عوامل کلیدی تأثیرگذار در محیط داخلی (ضعف ها - قوت ها)؛

ارزیابی عوامل کلیدی و تأثیرگذار در محیط بیرونی (فرصت ها - تهدیدها)؛

ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی؛
تعیین موضوعات راهبردی.

یافته های تحقیق

به منظور رسیدن به اهداف این تحقیق، به کمک پرسش سؤالات مربوطه، از خبرگان ومسئولان ذی ربط به جمع آوری اطلاعات و تعیین عوامل کلیدی داخلی و خارجی پرداخته شد. با تحلیل جواب ها و شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدها، ابتدا ماتریس ارزیابی عوامل داخلی IFE و ماتریس ارزیابی عوامل خارج EFE تشکیل شد و به کمک نتایج حاصل از این ماتریس ها و تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی به تجزیه و تحلیل وضعیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است در گام بعد نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدهای شناسایی شده را وارد ماتریس SWOT کرده و راهبردهای ترکیبی یا بهینه استخراج می شود سپس با استفاده از ماتریس کمی برنامه ریزی راهبردی Qspm اولویت بندی می شود.

نرمالیزه نمودن عوامل محیط داخلی و خارجی: پس از محاسبه میانگین تأثیرپذیری کلیه عوامل محیط داخلی (قوت ها و ضعف ها) و محیط خارجی (فرصت ها و تهدیدها) جداول را تشکیل داده و با نرمال سازی وزن هر یک از عوامل داخلی (قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت و تهدید) را به دست می آوریم. جدول ۲ مجموع نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی را نشان می دهد:

جدول شماره ۲: مجموع نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی

داخلی	مجموع نمرات موزون	خارجی	مجموع نمرات موزون
قوت	۲,۵۴۱۷۹۵۰۷۱	فرصت	۲,۵۷۹۲۹۲۶۶۷
ضعف	۱,۷۳۹۱۶۷۳۲۹	تهدید	۱,۶۲۸۱۵۵۷۰۵
جمع جبری	۴,۲۸۰۹۶۲۴	جمع جبری	۴,۲۰۷۴۴۸۳۷۲

ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی (SPACE): با توجه به اطلاعاتی که از تکمیل ماتریس های قبلی به دست می آید، با ترسیم ماتریس (SPACE) موقعیت راهبردی کشور را تعیین نموده، راهبردهای کلان و اصلی آن را برای مواجهه با عوامل محیطی شناسایی شده به دست می آوریم.

جدول شماره ۳: میانگین گویه ها

نقاط قوت	نقاط ضعف	تهدیدها	فرصت ها
۲,۵۴	۱,۷۴	۱,۶۳	۲,۵۸

جدول شماره ۴: مساحت فضا های چهار گانه

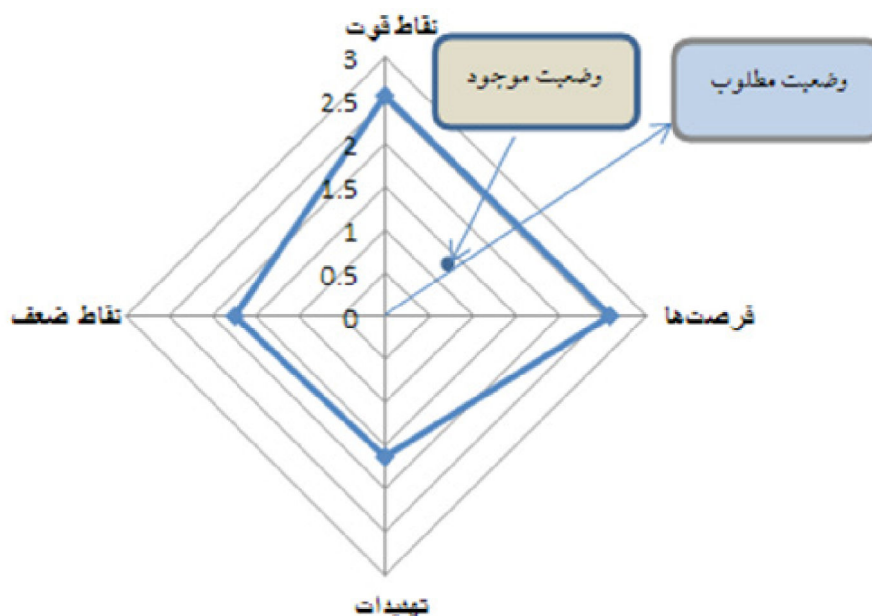
فضای قوت فرصت	فضای فرصت ضعف	فضای ضعف تهدید	فضای تهدید قوت
۵,۱۲۱۰۸۸	۴,۳۱۸۴۶	۳,۳۶۷۳۲۳	۴,۱۶۹۹۵۱

اینک برای ترسیم نقطه وضعیت کنونی جدول ۳ مبتنی بر اعداد به دست آمده برای S و O، W و T مطابق جدول شماره ۵ داریم:

جدول شماره ۵: مجموع نمرات محور X ها و محور Y ها

مجموع نمرات محور X ها (OT):	$\sum X = 2,541,795,071 + (-1,628,155,705) = 0,95$
مجموع نمرات محور Y ها (SW):	$\sum Y = 2,579,292,667 + (-1,739,167,329) = 0,80$

حال نقطه (۰,۹۵ و ۰,۸۰) که نشان دهنده مختصات موقعیت کنونی است را رسم می نماییم، شمای فضای محیطی نمودار ۱ نتیجه حاصل از ماتریس IE است که نمودار در موقعیت تهاجمی قرار دارد:



نمودار شماره ۱: ماتریس IE

مطابق نمودار ۱: گرچه نمودار در موقعیت تهاجمی قرار دارد، ولی همان طور که ملاحظه می گردد در وضعیت بسیار ضعیف تهاجمی قرار داریم و تا موقعیت مطلوب فاصله داریم پس باید راهبردهای مناسب برای رسیدن به موقعیت مطلوب تدوین گردد. با توجه به تهدیدهای جریان های سلفی تکفیری چنانچه از نقاط قوت داخلی برای بهره مندی از فرصت های بیرونی استفاده نکنیم، تهدیدهای این جریان ها برای محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران چالش آفرین بوده و آسیب های جدی و جبران ناپذیری را تحمیل خواهند نمود، بنابراین در تدوین راهبرد باید ضمن تقویت و استفاده کامل از راهبردهای (SO) باید برای مقابله با تهدیدهای این جریان ها راهبردهای مناسب ناحیه های دیگر نیز مورد نظر بوده و تدوین گردد که پاسخگوی

تهدیدها باشد و نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران را هم پوشش دهد.

حال با تشکیل ماتریس کمی برنامه ریزی استراتژیک (QSPM) راهبردهای موجود را اولویت بندی می کنیم. با توجه به ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، راهبردهایی که باید مورد توجه قرار گیرند راهبردهای SO می باشد. این راهبردها از نوع تهاجمی است و هدف در آن‌ها استفاده از نقاط قوت داخلی برای بهره‌مندی از فرصت‌های محیط خارجی است. پس باید راهبردهای (SO)، طراحی و تدوین گردد، به منظور حداکثر استفاده از فرصت‌های محیطی با اتکا به نقاط قوت.

همه فرماندهان، مدیران و تصمیم گیران ترجیح می‌دهند در موقعیتی باشند که بتوانند با استفاده از نقاط قوت داخلی از رویدادها و روندهای خارجی بهره‌برداری نمایند. معمولاً برای رسیدن به چنین موقعیتی از راهبردهای WT, ST یا WO بهره جسته تا بدان جا که بتوانند از راهبردهای SO حداکثر استفاده را نمایند.

نتیجه گیری

پس از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش‌های آماری و تحلیلی (کمی و کیفی) مناسب بر اساس یافته‌های این پژوهش نتایج زیر به دست آمد.

الف - نتایج کیفی پژوهش

در مطالعات نظری به این نتیجه رسیدیم که راهبرد را می‌توان راه و روش تحقیق مأموریت و رسیدن به هدف با استفاده از توانایی‌ها و قابلیت‌ها تلقی کرد. به گونه‌ای که با بررسی و شناسایی نقاط قوت داخلی و فرصت‌های خارجی به درستی از آن‌ها بهره‌برداری نموده، ضعف‌های داخلی را از بین ببریم و از تهدیدهای خارجی نیز پرهیز نماییم.

با توجه به تعاریف مختلف راهبرد دفاعی را می‌توان علم و هنر به کارگیری کلیه عناصر قدرت نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و فناوری و... برای دستیابی به اهداف اعتقادی و امنیت ملی در زمان صلح و جنگ و... یا به تعبیری علم و هنر چگونگی توزیع و به کارگیری منابع و مقدرات و ابزارهای ملی برای تأمین اهداف دفاعی «بیان نمود که هدف از آن به کارگیری کلیه عناصر قدرت برای تدوین راهبردهای دفاعی برای بازدارندگی دفع یا مقابله با تهدیدهای و تأمین امنیت و منافع ملی است. از آنجایی که راهبردها عمدتاً تابع زمان و مکان‌اند، توجه هم‌زمان به مأموریت‌ها و راهبردها و برآورد دقیق و مستمر اطلاعات داخلی و خارجی، مبنایی به دست می‌دهد که می‌توان بر آن اساس راهبردهای قابل اجرا را شناسایی و مورد ارزیابی قرارداد که باعث می‌شوند کشور با طی مراحل تدریجی از حالت کنونی به جایگاه مورد نظر در آینده دست یابد. جریان‌های سلفی - تکفیری گرچه در بستر اندیشه اهل سنت، رشد نموده ولی اهل سنت در جهان اسلام به چهار فرقه‌ی (مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی) تقسیم‌بندی می‌شوند که هر کدام از نظر اعتقادات، احکام و اخلاق (حدیث

گرا، شافعی و ماتریدی) متفاوت بوده و در طیف‌های مختلف سنتی، نوگرا، غیر دینی، متصوفه دسته‌بندی شده‌اند که اغلب آن‌ها فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران و مذهب تشیع دارند و گروه‌های سلفی تکفیری مورد بحث در این پژوهش سهم ناچیزی دارند. در گروه‌های سلفی نیز گونه‌های مختلف سلفی (تکفیری، جهادی، تبلیغی و سیاسی) وجود دارند که بخشی از آن‌ها در حال حاضر در تقابل و تهدیدی برای امنیت و منافع ملی و گروه‌های دیگر در تعامل با جمهوری اسلامی ایران هستند. بر این اساس لازم است راهبرد پیردازان جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌های این گروه‌ها با اتکاب به نقاط قوت خودی برای دفع فتنه و تهدید دشمنان در جهان اسلام تلاش نمایند. یکی از مسائل مهمی که مانع وحدت بین مسلمانان است، مسأله تکفیر مسلمانان از جانب یکدیگر است. دشمنان اسلام همواره کوشیده‌اند مسلمانان را به دست یکدیگر نابود کنند که حمایت از گروه‌های تکفیری و ترویج تفکر تکفیر در بین فرق مختلف، یکی از راهکارهای دشمنی با اسلام است. از سوی دیگر فعالیت گروه‌های تکفیری طی سال‌های اخیر و به‌ویژه به واسطه تداوم جنگ داخلی در عراق و سوریه رو به گسترش است. توانایی حیرت‌آور این گروه‌ها در جذب عناصر و فعالان این عرصه از سراسر جهان و بیش از نود ملیت مختلف و بازسازی سریع سلول‌های آن‌ها پس از سرکوبی چشم‌انداز نه‌چندان خوش‌بینانه‌ای از آینده منطقه و جهان اسلام را پیش چشم پدیدار می‌کند. تکفیری‌ها، اولاً بر فهمی قشری از اسلام تأکید دارند و به عبارت دیگر، تفسیر و تأویل را نمی‌پذیرند و بر ظواهر شرعی تکیه دارند. ثانیاً، تأکیدی و سواس گونه بر خلوص اندیشه اسلامی دارند و هر آنچه را پس از ظهور اسلام در حیات بشری به وجود آمده در مقوله بدعت گذاشته و طرد می‌کنند. ثالثاً، بر جهاد و مبارزه مسلحانه به عنوان فریضه اصلی و مغفول اسلامی تأکید دارند. رابعاً به واسطه تأکید بر افکار سلفی خویش هر گروه و مذهب دیگری را غیر از مذهب قشری خویش بدعت آمیز و شرک تلقی می‌کنند و از همین روست که تکفیری خوانده می‌شوند. این برداشت زمانی بسیار خطرناک می‌شود که معتقدین دیگر مذاهب اسلامی بدتر از کفار و در ردیف دشمنان داخلی اسلام و هم‌دست دشمنان خارجی (آمریکا و صهیونیست‌ها) به شمار می‌آیند و اولویت جهاد به «مذاهب اسلامی شرک‌آلود» داده می‌شود.

گروه‌های تکفیری مورد بحث در این پژوهش برآمده از سه جریان اصلی سلفی‌گری در جهان اسلام یعنی وهابیت، دیوبندیه و اخوان المسلمین می‌باشند و گروه تکفیری داعش با عملکرد و رفتار خود در حال حاضر بیشترین تهدیدها را برای جهان اسلام دارد. اگرچه در حال حاضر جهان اسلام با تهدیدهای سخت‌افزاری این جریان‌ها دست‌به‌گریبان است لکن از دیدگاه پژوهشگران و کارشناسان تهدیدهای نرم‌افزاری و گفتمان سازی این جریان که در بازخوانی بیانات مقام معظم رهبری در فصل دوم در ادبیات تحقیق شرح آن گذشت برای آینده و حال جهان اسلام خطرناک‌تر است.

ب- نتایج کمی پژوهش

پس از انجام کار خبرگی و میدانی با استفاده از مدل راهبردی دیوید با انجام مراحل به نتایج زیر رسیدیم: نمودار وضعیت کنونی کشور در ناحیه تهاجمی و نزدیک به مرکز قرار گرفته است پس باید راهبردهایی را در اولویت قرار داد که منجر به توسعه و گسترش دامنه بهره گیری از نقاط قوت و فرصت و قابلیت ها و توانایی ها در اختیار برای مقابله با جریان های تکفیری گردد. با توجه به اینکه نقطه به دست آمده در ناحیه تهاجمی و نزدیک به مرکز قرار می گیرد با اطمینان می توان گفت موقعیت کشور تهاجمی اما از سوی دیگر سیستم امنیتی و دفاعی در کشور می تواند از سیاست های تهاجمی و یا تلفیقی (تهاجمی - تدافعی) نیز استفاده کند؛ اما رویکرد اصلی را می توان در راهبردهای تهاجمی تبیین نمود.

در نتیجه از ۳۱ راهبرد اولیه ۱۹ راهبرد نهایی شد و از روش ماتریس برنامه ریزی کمی راهبردی اولویت بندی و در نهایت ۱۱ راهبرد مناسب انتخاب گردید. راهبردهای اولویت بندی شده و منتخب بر اساس نتایج به ترتیب زیر عبارت اند از:

راهبردهای منتخب یا اولویت برتر

اولویت اول: انسجام و هماهنگی در مبارزه با دشمنان اسلام و جلوگیری از اهانت به مقدسات با تأکید بر هم افزایی و اهتمام برای تقریب و تقویت وحدت اسلامی در جهان اسلام، به وسیله تهیه منشور وحدت مسلمین با استفاده از ظرفیت های موجود و بهره مندی از فرصت های سایر فرق و مذاهب اسلامی

اولویت دوم: حمایت های مادی و معنوی از گفتمان مقاومت با تأکید بر ظرفیت بیداری اسلامی به عنوان تهدیدگر حضور استکبار و رژیم صهیونیستی در جهان اسلام از طریق نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و جریان های همسو و هم سود.

اولویت سوم: سازمان دهی و هماهنگی کارآمد با هدف مقابله با تهدیدهای قومی و مذهبی جریان های تفرقه افکن تکفیری برای حفظ آمادگی تحت لوای ولایت فقیه و فرماندهی کل قوا با افزایش توانمندی ها و تقویت قدرت مادی و معنوی نیروهای مسلح و بسیج مردمی.

اولویت چهارم: توسعه دفاع همه جانبه و بومی و مردمی کردن امنیت و دفاع در کشور و سایر کشورهای اسلامی برای مقابله با جریان های سلفی تکفیری در جهان اسلام با استفاده از فرهنگ اسلام ناب و به منظور دفاع از اسلام ناب، قرآن و حریم اهل بیت با حمایت و آموزش عناصر نهضتی و تقویت محور مقاومت

اولویت پنجم: آمادگی دفاعی و امنیتی با گسترش، توسعه و استفاده از ظرفیت های حوزه های ژئوپلیتیکی و دریایی، مناطق راهبردی، سلاح و تجهیزات موشکی و راهبردی با پوشاندن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت و بهره مندی حداکثری از فرصت های بیرونی؛

اولویت ششم: ایجاد ائتلاف و اتحادهای امنیتی و دفاعی با کشورها و گروه‌های مقاومت در منطقه و جهان به‌منظور تأمین امنیت و دفع تهدیدها از طریق هماهنگی در آموزش، سازمان‌دهی نیروها، ممانعت از تأمین سلاح و رصد اطلاعاتی و ممانعت از تأمین سلاح گروه‌های تکفیری؛

اولویت هفتم: همگرایی در جهان اسلام و دفاع از مظلومان و مستضعفان و تقویت وجوه مشترک جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای اسلامی برای مقابله با تهدیدهای تفرقه‌افکنانه و معرفی آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دگر و دشمنان جهان اسلام با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و روحانیون و مبلغین همسو و ترویج و توسعه و انتشار پیام‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام؛

اولویت هشتم: تقویت امید به آینده، روحیه، نشاط و عزت ملی و مقابله با ناکارآمدی حکومت دینی با جهت‌گیری رسانه‌ای برای مخاطبان داخلی و خارجی و برجسته‌سازی دستاوردها و موفقیت‌های علمی، فناوری، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، نظامی و... علاوه بر تحریم‌ها و تهدیدها؛

اولویت نهم: تمرکز بر قابلیت‌ها باهدف مقابله با تهدیدهای وهابیت تکفیری و عناصر آن با استفاده از ظرفیت محبین اهل بیت و اهل سنت تقریبی از طریق معرفی فرهنگ غنی اسلامی و محکوم کردن فرقه‌گرایی و جریان‌های افراطی و وابسته به استکبار و صهیونیسم در جهان اسلام؛

اولویت دهم: تقویت مشترکات دینی و عزت ملی همراه با موضوعات مهم و موردعلاقه خرده‌فرهنگ‌ها و احیای هویت دینی و ملی از طریق جهت‌گیری داخلی کشور در فضای رسانه‌ای؛

اولویت یازدهم: توسعه توانمندا و تعامل برای دفع فتنه جریان‌های وابسته به استکبار و صهیونیسم در جهان اسلام با استفاده از ظرفیت اهل سنت معتدل علی‌الخصوص علمای اهل سنت از طریق برجسته‌سازی تفاوت‌های اهل سنت و جریان‌های سلفی تقریبی با سلفیت تکفیری؛

منابع:

الف) بیانات مقام معظم رهبری:

- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۳) ۴ آذر

ب) منابع فارسی:

- آشکار ژیلبر، (۱۳۸۴)، جدال در توحش، ۱۱ سپتامبر و ایجاد بی نظمی نوین جهانی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: اختران
- ابراهیم، فؤاد (۱۳۸۷)، شیعیان در جهان عرب مدرن: عربستان سعودی، ترجمه رضا سیمبر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- ازغندی، علیرضا. روشندل، جلیل. (۱۳۷۸)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، انتشارات سمت، قم، چاپ دوم.
- احسانی، محمد (۱۳۸۰)، پژوهشی در زمینه پیدایش مذاهب شیعه و سنی، مجله معرفت، شماره ۴۰ فروردین
- اعرابی، سید محمد، (۱۳۹۲)، دست نامه برنامه ریزی استراتژیک، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، اقدام به جنگ، مجله سیاست دفاعی، سال ۱۲، شماره ۴۸ (پائیز)
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، اقلیت گرایی دینی. طراحی یک چارچوب تحلیلی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- افشردی محمد حسین و نوذری فضل اله (۱۳۹۰)، تعیین عوامل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی - امنیتی ج.ا.ا
- باقری چوکامی سیامک، (۱۳۹۳)، ارزش ضد امنیتی جریان سازی افراط و تکفیر با تأکید بر تئوری جنگ تمدن ها، تهران، فصلنامه پژوهش های حفاظتی امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)
- بوالحسنی خسرو و افشردی محمد حسین (۱۳۹۳)، تهدید های ژئوپلیتیکی مؤثر بر تدوین راهبرد دفاعی ج.ا.ا در قبال ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی
- بیلیس، جان و دیگران (۱۳۸۲)، استراتژی در جهان معاصر: مقدمه ای بر مطالعات استراتژیک، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- پارسانیا حمید (۱۳۹۳)، داعش محصول تعامل سیاست غربی و منطقه ای با ذخیره های تاریخی اموی است، قابل دسترسی در <http://sccr.ir>
- جعفری ولدانی، (۱۳۹۲)، نقش قدرت های منطقه ای در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال بیستم
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷)، بصیرت پاسداری، تهران، اداره سیاسی نمایندگی

ولی فقیه در سپاه.

- جهانی، محمد (۱۳۹۳)، راهبردهای مقابله با تهدیدات نرم ناشی از فعالیت جریانهای تکفیری در جهان اسلام، مجموعه مقالات کنگره جریان های تکفیری.
- جهانی، محمد (۱۳۹۱)، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین (ع)،
- اقلیت گرایی مذهبی در بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، خسرو شاهی، سید رضا (۱۳۴۱)، علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی، انتشارات تهران: چاپ اول
- خسروی غلامرضا (۱۳۸۴)، ابوالاعلی مودودی، در: علی اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، تهران: جهاد دانشگاهی،
- خلیج فارس، دهلیز هار تلند جهان، روزنامه رسالت به نقل از سایت آفتاب ۱ اردیبهشت ۱۳۸۶
- رشنونبی الله، مقاله الزامات ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- رشید غلامعلی (۱۳۸۶)، جزوه درسی دانشگاه عالی امنیت ملی
- رشید احمد، (۱۳۷۳)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه آیت اللهی، تهران.
- روشندل، جلیل، (۱۳۸۷)، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- رضاخواه علی رضا، (۱۳۹۲)، شیوه شناسی دشمن در مقابله با هویت یابی مسلمانان، قابل دسترسی در farsi.khamenei.ir
- زنگنه، حمید؛ استراتژی ملی؛ سایت باشگاه اندیشه ۱۳۸۳/۶/۲.
- سید نژاد، سید باقر (۱۳۸۹)، روند سلفی گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۳
- عباس زاده فتح آبادی مهدی، (۱۳۸۸)، بنیادگرایی اسلامی و خشونت، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹
- عزتی، عزت الله. (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم. انتشارات سمت.
- عصمت اللهی، محمد هاشم (۱۳۷۸)، جریان پرشتاب طالبان، تهران: الهدی.
- عزیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱)، سلفی گری و وهابیت، جلد دوم: مبانی اعتقادی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، قم، آوای منجی
- عزیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱)، سلفی گری و وهابیت، جلد یکم: مبانی اعتقادی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، قم، آوای منجی
- عزیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳)، تبارشناسی سلفی گری و وهابیت، آوای منجی، قم.
- عنایت، حمید، (۱۳۶۳)، تهران، سیری در اندیشه سیاسی عرب، امیر کبیر.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷)، آشنایی با فرق تسنن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم
- فدوی، عبدالقیوم (۱۳۸۱)، اسامه بن لادن و ماجراها، کابل: مفاخر.
- کالینز، جان ام (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ، مترجم: کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- کرمی چرمه، کامران، (۱۳۹۳) سلفی گری و خاورمیانه عربی، تهران، خبرگزاری فارس.

- کمپ، جفری، (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاور میانه، ترجمه متین، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی
- کوپل، ژیل، (۱۳۸۲) پیامبر و فرعون، تهران، ترجمه حمید احمدی، کیهان.
- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخص ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- مرادی، مجید (۱۳۸۴)، سید قطب، در: علی اکبر علیخانی و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، تهران: جهاد دانشگاهی.
- مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور (۱۳۹۱)، تهران، وهابیت سیاسی، انتشارات اندیشه سازان نور
- مجموعه مقالات کنگره جهانی جريان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۲
- محمدزاده محمدعلی و محمدتقی نوروزی (۱۳۷۸)، فرهنگ استراتژی، تهران: سنا.
- موسوی، تهران، جزوه درسی دانشگاه عالی امنیت ملی
- نامی محمدحسن (۱۳۸۹)، خلیج فارس و اهمیت آن در تدوین راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سایت فارس نیوز ۹ آبان ۱۳۸۹ به نقل از، فصلنامه نگاه دو شماره ۵
- نباتیان، محمد اسماعیل و معینی پور، مسعود، تحلیلی بر جريان بعثی تکفیری داعش، گزارش راهبردی شماره ۵، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)
- همفر مستر (۱۳۶۱)، خاطرات همفر، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

ج) منابع عربی:

- ابن تیمیه، ابوالعباس تقی الدین احمد، (۱۹۷۱ م)؛ درء تعارض العقل والنقل، محمد رشاد سالم، جمهوریة العربیة المتحدة، دارالکتب.
- ابن تیمیه، احمد (۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م)، مجموعه الرسائل والمسائل، بیروت: بی نا.
- ابوهمام بکر بن عبدالعزیز الأثری، مدى الايادی لبيعه البغدادی،
- بنا، حسن (۱۹۸۴ م)، مذكرات الدعوة والداعیه، بیروت: بی نا.
- سید قطب، معالم فی الطريق، منبر التوحید و الجهاد، ۱۴۳۵ ق، [بی جا].
- ظواهری، ایمن، الولاء والبراء؛ عقیده منقوله و واقع مفقود، ۱۴۲۳ ق [بی جا، بی نا].
- عزّام، عبدالله، اعلان الجهاد، منبر التوحید و الجهاد، [بی جا، بی تا].

د) مصاحبه ها:

- مصاحبه نگارنده با سر دار دکتر امیرنوحی، معاون امنیت سازمان اطلاعات سپاه شهر یور ۱۳۹۵
- ه) منابع خارجی:

- <http://alwahabiyah.com>
- <http://farsi.khamenei.ir>
- <http://sccr.ir>